



نویسنده:
دکتر علیرضا رضائی
عضو هیات علمی
دانشگاه شهید رجایی



تربیت بدنی و توسعه پایدار

عکاس: مهرداد کوچکی

است. به طوری که دریزل^۵ (۱۹۹۷) گفته است: «با توجه به کاربرد مفهوم پایداری و بسته به نوع استفاده و نگرش افراد و گروه‌ها، مفاهیم متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرند.»

دولت‌های جهان سوم، باید در توزیع منابع طبیعی کشورشان اصرار ورزند. باید توجه داشت، توسعه پایدار نمی‌تواند راهگشای مشکلات اجتماعی باشد، اما می‌تواند در روشنگری و یافتن بعضی از مشکلات رهنمون باشد. در طول زمان، هنگام بررسی تعامل بین جامعه و طبیعت، به این نتیجه می‌رسیم که چالشی بین این دو وجود دارد و بدیهی است که نیازمند تغییر است.

برای مثال، رشد اقتصادی پایدار اغلب به عنوان موضوعی طبیعی مطرح می‌شود. به هر حال، همان‌طور که کینگ^۶ (۱۹۹۰) گفته است: «رشد پایدار اقتصادی با اثر منفی بر مسائل زیست محیطی همراه است. زیرا آثار

مثبت جامعه که در شخصیت فرد انعکاس می‌یابد. شخصیت و بروز عملی رفتارها نیاز به تعریف دارد و اصطلاحات تئوریک نیز باید مجدداً بررسی شوند.

توسعه پایدار کیفیت زندگی، با بهداشت و افزایش آن ارتباط دارد. اتحادیه بین‌المللی محافظت از منابع طبیعی، برنامه حفاظت محیط زیست سازمان ملل و سازمان جهانی حفاظت از محیط زیست، زندگی پایدار را با توسعه کیفیت زندگی انسان و افزایش توانایی‌های وی در ارتباط دانسته‌اند.

برژن^۷ (۱۹۹۷) رشد کیفی رفتارهای فردی و اجتماعی را به تمرین افراد در منزل، مدرسه و مؤسسات اجتماعی وابسته می‌داند. تعریف واحدی از توسعه پایدار و عواملی که باعث افزایش و بهبود آن می‌شوند و نیز آن‌ا عملی که در زندگی ما را به زندگی پایدار می‌رسانند، وجود ندارد. تعریف پایداری، بسیار بحث برانگیز

در سال‌های اخیر، به نقش و اهمیت تربیت بدنی و ورزش در رشد شخصیت افراد توجه ویژه‌ای شده است. دوشف^۱ (۱۹۹۷)، شیلدز^۲ و بردهمیر^۳ (۱۹۹۵) معتقدند، تعریف اصطلاح شخصیت و نشان دادن آن به صورت علمی، پیچیدگی‌های خاصی دارد. با وجود این، معلمان، مربیان و عموم مردم، مفاهیم و تعریف‌های متفاوتی از شخصیت دارند که بعضی از آن‌ها درباره فعالیت بدنی است. برای مثال، بعضی معتقدند، برای شناخت شخصیت فرد، عملکرد وی بهترین شاخص است.

دوشف می‌گوید: «عمل فرد در نبود عاملی کنترل‌کننده، بهترین ملاک برای نشان دادن شخصیت وی به شمار می‌آید.»

باور عمومی بر این است که ورزش در تکوین شخصیت افراد نقش مهمی دارد. ضمناً به نظر می‌رسد، رفتار و افکار خوب نتیجه‌ای است از رفتارهای



رشد، فراتر از ظرفیت های اکوسیستم هستند. شکل های متنوع تولید و توزیع که در حال حاضر حاکم هستند، خود از عوامل مخرب محسوب می شوند؛ زیرا شرایط محیطی در بسیاری از موارد تابع شرایط حاکم بر تولید است.

مانگل (۱۹۹۶) می گوید: «زمانی که برنامه هایی برای حفظ محیط زیست آماده می کنیم، متوجه می شویم، شرایط حاکم بر تولید در حال حاضر چیزی نیست که به سادگی بتوان آن را تغییر داد. بنابراین، بحث کنونی در این باره است که آیا می توان تغییر معنی داری با توجه به ساختار کنونی انجام داد یا خیر؟»

ضمن این که ضرورت این تغییرات روشن و واضح است، باید برای ایجاد توسعه پایدار، به توسعه آینده اجزای به خوبی توجه شود. در ضمن، باید به این پرسش پاسخ داد که کدام روابط اقتصادی در قلم قرار دارند؟ و آیا نیازهای فردی در اولویت هستند یا نیازهای جمعی؟

جان بکر معتقد است، عدالت اجتماعی و شرکت در فعالیت های سیاسی مربوط به مسائل زیست محیطی، اساس توسعه پایدار است. برانت لند (۱۹۸۷) گفته است: «تبعیض عامل اصلی تغییرات محیطی است؛ زیرا فقر باعث ایجاد فشار، در استفاده بیش از حد از محیط زیست می شود.»

در نتیجه، توسعه پایدار نیازمند یک فرهنگ عمومی برای احترام و اولویت دادن منافع عمومی به منافع شخصی است. چالش توسعه پایدار این است که ما به مسؤولیت خویش واقف شویم و این آگاهی، نیازمند تجدید نظر و دقت در روش های

زندگی در اجتماع است که در نهایت می تواند، باعث بهبود کیفیت زندگی شود.

به گفته بکر (۱۹۹۹): «باید به مشکلات زیست محیطی به عنوان حقایق اجتماعی و هدف های معمولی نگریست و به عواملی تاکید کرد که بین دو عامل طبیعت و اجتماع مشترک هستند.»

درک افراد از مفاهیم جهان در دامنه ای بزرگ و متفاوت قرار دارد. برای مثال هاکل^۱ در سال ۱۹۹۶، نظر تکنوکرات ها را مطرح کرد. آن ها معتقدند، زمین مرده ای است که طبیعت در آن همانند ماشینی به تغییرات مورد نیاز انسان می پردازد. در این نظریه، رفتار افراد نسبت به طبیعت متکبرانانه است و نتیجه آن، تهدید بقا است.

درنگسون^۲ (۱۹۸۳) با این ایده تکنوکرات ها مخالف است و می گوید: «از نظر این افراد، جهان یک ارگانسیم است و شخص در آن جزء محسوب می شود، نه جداری از آن.»

فین^۳ (۱۹۹۳) می گوید: «ریشه بسیاری از مشکلات محیطی، نتیجه رفتارهای اجتماعی نظام اقتصادی، سیاسی، سازمانی و روش های انتخابی در زندگی است که این رفتارها و نظام ها را حمایت می کنند. روش جدید زندگی باید، اجازه مطرح شدن سؤال و بحث بیش تری را در جامعه بدهد.»

به اعتقاد هاتری و بولین^۴ (۱۹۹۴) تنها زمانی از انتقادات و چالش های موجود درها می شویم و به سوی آینده ای مثبت پیش می رویم که راهکارهای دراز مدت را به گونه ای بکار ببریم که پایه مطلوبی برای مسائل بیولوژیک، اجتماعی، اقتصادی و توسعه بنا نهیم.

فعالیت های بدنی برای توسعه پایدار

فعالیت بدنی یک رفتار مهم برای ایجاد محیطی سالم و تندرستی است. آثار آن نه تنها برای خود، بلکه برای جامعه نیز به طور گسترده ای مؤثر است. به گفته گیوردت^۱ (۱۹۹۲)، در صورتی که ساکنان منطقه ای برای رفتن به سرکار یا مراکز تفریحی، دوچرخه سواری یا پیاده روی (به جای استفاده از خودرو) کنند، نه تنها محسوس به کاهش ترافیک، کاهش آلودگی هوا و به ارتقای سلامت جامعه کمک مؤثری کرده اند. این تغییر رفتار می تواند به فعالیت های اقتصادی محلی و ملی کمک کند.

به طور مستقیم، فعالیت های بدنی به افزایش کیفیت شاخص های بیولوژیک و رفتارهای فردی تکمیل دارد. در سال های اخیر، توجه افراد به تغییراتی جلب شده است که می توانند بر رفتارهای اجتماعی تأثیر بگذارد. یکی از این تغییرات، «زندگی فعال» است که در آن، فعالیت بدنی به طوری معنی داری با زندگی روزمره افراد آمیخته شده است.

برتن^۲ (۱۹۹۷) گفته است: «زندگی فعال به ایجاد زندگی پایدار کمک می کند و در آن سهیم است و باعث افزایش توسعه پایدار می شود.» سیمای مشترک موارد دو گانه زندگی فعال و پایدار، در زندگی روزمره قابل درک است. زندگی فعال باید بخشی از زندگی طبیعی و روزمره افراد باشد و زندگی پایدار نیز در زمره آن است، در حالی که زندگی فعال، به عنوان ماندگاری فعالیت در چرخه دائمی زندگی تعریف شده است. از طرف دیگر، توسعه پایدار روی تأییدی که رفتارهای ناشی از فعالیت بدنی روی

دوشف: عمل فرد در نبود عاملی کنترل کننده، بهترین نشان برای نشان دادن شخصیت وی به شمار می آید



بر تن : زندگی فعال به ایجاد زندگی پایدار کمک می کند و در آن سهیم است و باعث افزایش توسعه پایدار می شود

محیط می گذارند، تأکید دارد و به برداشت های افراد از نقش آن هادر جامعه منتهی می شود.

تلفیق دو تعریف بالا را می توان: به عنوان زندگی فعال پایدار مطرح کرد، آن را تأثیر عمیق فعالیت های بدنی در زندگی روزمره و افزایش کیفی زندگی انسان نامید یا عاملی اثرگذار روی محیط زیست شناخت.

کورتیس و راسل^{۱۵} (۱۹۹۷) بیان کرده اند، اگر بخواهیم بر اساس مفاهیم توسعه فعال و زندگی پایدار الگویی به دست دهیم، چارچوب و درکی کلی از فعالیت بدنی در اختیار داریم که نتایج بهداشت فردی حاصل از آن، شخص را از بیماری و گرفتاری در ساختار اجتماعی حفظ می کند.

فرایند فکری و فعالیت بدنی افراد در ارتباط با فعالیت، توسط فرایندهای فرهنگی، اجتماعی، محیطی و بدنی شکل می گیرد و همزمان، افراد، گروه های اجتماعی و فرهنگی، محیط را شکل می دهند. همه این پدیده ها یک پوشش حرکتی در هم تنیده را در انسان به وجود می آورند که از شرایط محیطی، اجتماعی و فرهنگی سرچشمه گرفته اند.

اگر بخواهیم درک بهتری از تعاملات انسان و محیط داشته باشیم، باید نظرات کورتیس و راسل را در ارتباط با مکتب هولستیک (Holistic) بررسی کرد و فعالیت بدنی را در چارچوب یک دید کلی و مجموعه ای در هم تنیده و غیر قابل تجزیه، بررسی و تحلیل کرد.

نقش تربیت بدنی در توسعه پایدار

در سال های اخیر، رشد و اهمیت

سیاسی توسعه پایدار روی برنامه تعلیم و تربیت و دوره های تحصیلی اثر گذاشته است. برای مثال، در برنامه ملی تحصیلی انگلستان و ولز (گروه تعلیم و تربیت و محیط ۱۹۹۹) این الگو عنوان شده است که تعلیم و تربیت، یعنی ایجاد موقعیت برای همه در زمینه های بهداشت، دموکراسی و اقتصاد که به معنای توسعه پایدار هستند. موضوعات مرتبط با توسعه پایدار، فراتر از مرزها و دایره علوم هستند. به اعتقاد ورتلی^{۱۶} (۱۹۹۴) و فین^{۱۷} (۱۹۹۳)، تربیت بدنی از ورود به

این معانی محروم مانده است. همان طور که گفته شد، توسعه پایدار مقوله ای نیست که بتوان آن را در بخش های مجزا یا به طور مساوی و عادلانه تقسیم کرد. با توجه به مطالب مذکور، چالش های توسعه پایدار در جهان ما نقشی اساسی دارند و ضرورت دارد که در برنامه تحصیلی به خوبی سازمان یابند.

لاسون^{۱۷} (۱۹۹۵) با بررسی و طبقه بندی کردن روابط و افکار، زمینه های خاص و مشترکی بین آن ها یافته است. برای مثال، تغییرات نامطلوب محیط زیست، موضوع پیچیده ای است که نیاز به همکاری عمومی خارج از مرزبندی های معمول دارد. فین بر این باور است که همه معلمان باید برای درک صحیح از توسعه، به بحث و بررسی بپردازند تا به مفاهیم مشترکی در زمینه ارزش ها و مهارت های مورد نیاز برسند و در حقیقت، کار مشترکی را در تثبیت کیفیت، توسعه پایه ای طبیعت و محیط اجتماعی انجام دهند. به بیان دیگر، با کمک شیوه های تعلیم و تربیت باید دانش آموزان به گونه ای تربیت شوند که

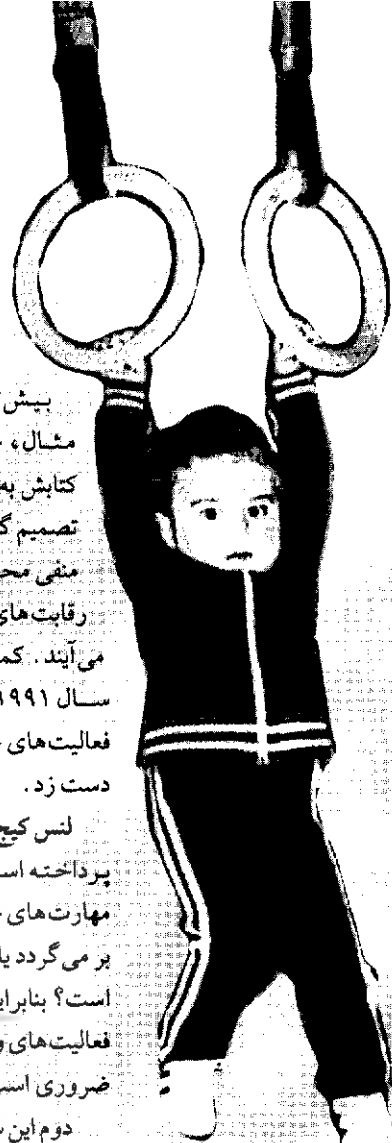
درک صحیحی از انهدام و تباهی محیط زیست پیدا کنند و با حداقل اطلاعات بتوانند، مدافع صحیح محیط زیست باشند.

توسعه پایدار اصطلاحی است که خارج از مرزها و با توجه به ارتباط های محیطی، به بررسی جدیدی نیاز دارد. حفاظت از زیبایی های طبیعت، همچنین رفتارهای روزمره فرد در طبیعت احتیاج به بررسی و توجه خاصی دارد. زیرا رفتارهای فردی، ابتدایی ترین مشکلات مربوط به توسعه هستند.

در این باره، شراکت تربیت بدنی در حرکت به سوی توسعه پایدار از موارد قابل بررسی است و باید روی زندگی فعال تأکید خاص داشت. بدیهی است، ارتقای کیفی زندگی فعال از هدف های اولیه درس تربیت بدنی در هر دوره تحصیلی است. وجود تربیت بدنی در دوره های تحصیلی، مسیری است که فرد را به یک زندگی فعال و توسعه پایدار می رساند. یکی از مهم ترین نکات در برنامه تحصیلی برای زندگی فعال و پایدار، ترکیب رفتارهای مورد نظر با ارتباطات پیچیده محیطی است. به علاوه، در انجام این امور آن گونه تغییرات اجتماعی و فعالیت های بدنی به نظر ضروری است که بتواند پایه گذار روابط مورد نظر باشد. قبل از بررسی امکان برنامه ریزی درسی و توجه به جزئیات پیش تر در زمینه فعالیت های مربوط به زندگی فعال و پایدار لازم است، ورزش های سازمان یافته و رفتارهای موجود در آن بررسی شوند و در برنامه های تربیت بدنی مد نظر قرار گیرند.

مسک کی^{۱۸}، گرو^{۱۹} و کسک^{۲۰}





سال‌های اخیر، در مورد مفهوم ورزش پایدار بررسی و تأکید بیش‌تری شده است. برای مثال، چرتوشنکو (۱۹۹۴) در کتابش به نام «بازی‌های المپیک» تصمیم‌گیرندگان را متوجه نکات منفی محیطی کرده است که در رقابت‌های بزرگ ورزشی به وجود می‌آیند. کمیته بین‌المللی المپیک در سال ۱۹۹۱، به همسو کردن فعالیت‌های خود در مسائل محیطی دست زد.

لنس کچیج^۱ (۱۹۹۸) به این پرسش پرداخته است که آیا این پدیده به مهارت‌های عیب‌جویانه فرهنگ مردم بر می‌گردد یا ناشی از ارتباط محیطی است؟ بنابراین، بررسی تغییرات در فعالیت‌های ورزشی و مسابقاتی امری ضروری است.

دوم این سؤال مطرح است که نقش بالقوه ورزش‌های توسعه یافته به عنوان حامل زندگی فعال پایدار چگونه است؟

مطالعات طولی در خصوص شرکت در فعالیت‌های ورزشی آشکارا نشان می‌دهند، شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه در تکمیل برنامه مدرسه‌ها کمک‌کننده است. (مالینا^۲ ۱۹۹۶، ون راسل و همکاران^۳ ۱۹۹۳، ۱۹۹۷). به علاوه، به نظر می‌رسد، بزرگسالان علاقه‌مند به شرکت در فعالیت‌های معمولی بیش‌تر از ورزش‌های سازمان یافته در برنامه روزانه و چرخه زندگی خود هستند. (اتحادیه ملی آمادگی جسمانی دانویر^۴، ۱۹۹۲، دپارتمان بهداشت و خدمات انسانی آمریکا^۵ ۱۹۹۶). تمایل بزرگسالان به شرکت

(۱۹۹۰) بر این باورند که تربیت بدنی و ورزش در زمینه فضائل نیکوی اخلاقی به طور سستی بدون هیچ مشکلی مثبت بوده است (ارتباط بین فضائل اخلاقی و محیط اطراف امری ذاتی شمرده شده است) و به دلایل متعددی، افکارهای مثبت در ورزش‌های سازمان یافته و زندگی فعال پایدار به یکدیگر مرتبط هستند. آن‌ها معتقدند: اولاً، باید به بررسی بالقوه ورزش‌های سازمان یافته در تخریب محیط زیست پرداخت. بعضی از فعالیت‌ها ذاتاً دارای نقش تخریبی بیش‌تری نسبت به دیگر فعالیت‌ها هستند و لازم است که این نوع ورزش‌ها محدود یا حذف شوند. در

کرک و گورلی: ورزش‌های سازمان یافته، باید به عنوان یک راه منحصر به فرد مشخص و معرفی شوند

در ورزش‌های سازمان یافته محدود است. ولی در حال حاضر، تربیت بدنی به فعالیت‌های حرکتی روی آورده است و از آن‌ها سود می‌برد. همان‌طور که فرناندز بالبوآ^۶ (۱۹۹۷) بیان کرده است. تأکید بر مهارت‌های حرکتی ما را از ماهیت اجتماعی حرکت دور می‌کند. بنابراین باعث می‌شوند، جوانان برای روابط اجتماعی کم‌تر آماده شوند و در فعالیت‌ها رفتارهای ناموفقی داشته باشند. در نتیجه، هنگام استفاده از این مهارت‌های رفتاری در انتقال و پیشرفت جامعه کم‌تر سود می‌برند و به طور گسترده‌ای روی محیط اجتماعی اثر می‌گذارند.

بالاخره، به اشتیاق کرک و گورلی^۷ (۲۰۰۰) ورزش‌های سازمان یافته، باید به عنوان یک راه منحصر به فرد مشخص و معرفی شوند. به نظر می‌رسد که کسبک (۱۹۸۰ و ۲۰۰۱)، زمانی که تأثیرات منفی دار شرکت تیم‌ها و افراد یک گزینه ملی پیشنهاد می‌شود، بستن بازی علاقه‌مندانه شرکت در فعالیت‌های ورزشی سازمان یافته می‌شوند. مؤسسه ملی آمادگی جسمانی دانویر در مطالعه‌ای (۱۹۹۲) اعلام می‌کند، ورزش‌های مسابقه‌ای باید برای تشویق مردم به فعالیت‌های بدنی مطرح و اجرا شوند و نباید به شکلی باشند که افراد علاقه‌مند به ورزش، بدون شرکت در فعالیت‌های معمولی وارد مسابقات شوند.

فاکس^۸ (۱۹۹۶) برای این باور است: زمانی که یک رفتار در اجتماع، ارزش محسوب می‌شود، همه افراد اجتماع سعی می‌کنند، خودشان را با آن رفتار هماهنگ کنند و در بعضی از مواقع، به رقابت می‌پردازند و از



یافته‌های خود را در قالب واژه‌های خاص به کار نبرده‌اند. برای مثال، راجونو^۳ و کرک (۱۹۹۵) تربیت بدنی را به طور سنتی عاملی برای آزادی و مقدمه‌مسئولیت‌پذیری دانسته‌اند. این نگرش و جهت‌گیری، در مباحث نظری تربیت و آموزش نیز وجود دارد. برای مثال، در روان‌شناسی رشد مرسوم است که رشد کودک از دریچه خود مختاری و اتکا به نفس، به صورت منحصر به فرد، مورد توجه قرار گیرد. همان طوری که راجونو و کرک اشاره کرده‌اند: «یکی از وظایف اصلی جوامع، دولت‌ها و مدرسه‌ها، تعادل بین شخصیت افراد و نیازهای آنان

بدنی به وجود آورد و باب گفت‌وگو و نقادی را در این موارد فراهم کرد.

استرلینگ (۱۹۹۰) نیز معتقد به بحث و انتقاد است و آن را در تعلیم و تربیت، یکی از عوامل پایدار در زمینه‌های آموزشی می‌داند. نمونه‌هایی از کار در زمینه ورزش و تربیت بدنی که علائق زیست محیطی در آن‌ها در نظر گرفته شده‌اند، وجود دارند.

همراستون^۳ (۱۹۹۸) در مباحث رشد محیطی، برابری زن و مرد، به چالش کشاندن مردسالاری و اثر آن در ورزش‌های ماجراجویانه و اثرات آن بر محافظت از محیط زیست، پژوهشی

یکدیگر پیشی می‌گیرند، کسانی هم که در این مسیر قرار ندارند، از وجه عمومی برخوردار نخواهند بود.

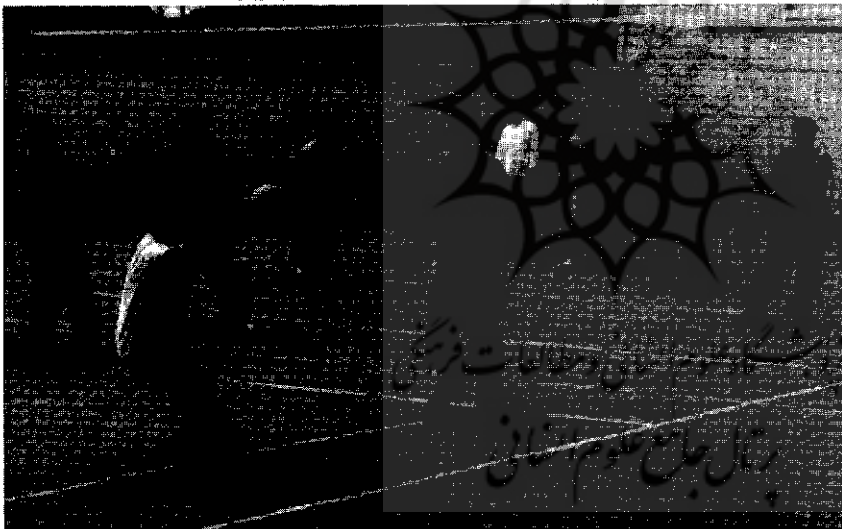
در هر تلاشی برای ارتقای زندگی فعال پایدار، این ورزش‌های سازمان یافته هستند که می‌توانند، موقعیت‌های معنی‌داری برای شرکت‌افراد فراهم آورند. هر چند باید در توجه به حفاظت و کنترل این ورزش‌ها دقت داشت. با وجود ضرورت توجه هدفمند به ورزش‌های سازمان‌یافته، این فعالیت‌ها به شکل معنی‌داری جزو برنامه‌دستی برای ارتقای زندگی فعال پایدار باقی خواهد ماند. شاید بتوان گفت، ورزش‌های سازمان یافته بخش

اصلی از فرهنگ

معنی‌دار و مؤثر در درک و فهم مردم از فعالیت بدنی محسوب می‌شوند.

به اعتقاد درو^۴ (۱۹۹۹) فعالیت بدون توجه به بازی‌های سازمان یافته غیر ممکن است، زیرا ماهیت این بازی‌ها در فرهنگ کشورها نهادینه شده است.

استرلینگ: بحث و انتقاد در تعلیم و تربیت، یکی از عوامل پایدار در زمینه‌های آموزشی است



است و باید آن‌ها را برای مقابله با وضعیت‌های دشوار آماده کنند. در آینده، مفهوم توسعه با توجه بیشتر تر به مسائل اخلاقی و مسئولیت‌پذیری گسترده‌تر خواهد بود. بدیهی است، ارتباط و نقش تعلیم و تربیت در پایداری همچنان قابل بررسی خواهد بود.

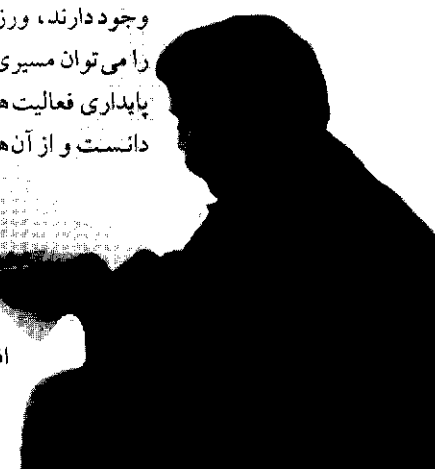
اگر بخواهیم چشم‌اندازی از آینده تربیت بدنی را ترسیم کنیم، بررسی تحقیقات افراد معتقد به محیط زیست،

انجام داد. او به این نتیجه رسید که بین طبیعت و زنان رابطه قابل تأکیدی وجود دارد و این موضوع را مطرح کرد: «طبیعت بر مبنای ورزش و حرکات متنوع می‌تواند، نقش تسهیل‌کننده در افراد داشته باشد و آنان را به تفکری دوباره در خصوص ارتباط انسان و طبیعت وا دارد.»

از طرف دیگر، مؤلفان تربیت بدنی به نقش معنی‌دار تعلیم و تربیت در توسعه پایدار پرداخته‌اند. اگر چه آن‌ها

بنابراین، علاوه بر موقعیت‌هایی که برای شرکت در فعالیت‌های بدنی وجود دارند، ورزش‌های سازمان یافته را می‌توان مسیری برای تربیت بدنی و پایداری فعالیت‌های بدنی در زندگی دانست و از آن‌ها تولیدات در هم تنیده‌ای به

عنوان محرک برای شرکت افراد در فعالیت‌های



مفید خواهد بود. برای مثال باورز^{۳۳} (۱۹۹۱) با دیدی نقادی به بررسی مبانی نظری درس‌ها پرداخته و معتقد است، آن‌ها باید به گونه‌ای کاربردی محرک توسعه باشند. اول، او به بحث درباره فرضیه‌های لیبرالی پرداخته است و آن‌ها را آماره می‌داند؛ مثل اشرف مخلوقات بودن انسان. دوم فرضیه کلیت را که اعتقاد به هستی جداگانه تن و خورد و دور کردن مردم از طبیعت و سیاست دارد، رد کرده است. سوم، او به اظهار نظر و برخورد نقادی با دیگر تجارب علمی خصوصاً در زمینه‌های روانی تأکید کرده است. بررسی چالش‌های فراروی تربیت بدنی که از توسعه پایدار در فرضیه‌های نقادانه تحصیلی ناشی می‌شود، وجهی از تربیت بدنی است که برای زندگی فعال و پایدار وجود دارد و می‌تواند محرکی برای بحث و جدل در آینده باشد. چون توسعه پایدار خود موضوعی جالب برای مناظره است، در تربیت بدنی نیز می‌تواند به موضوع مورد مناظره‌ای تبدیل شود. بنابراین، مؤلفان می‌توانند در خصوص توسعه پایدار و تربیت بدنی به بحث و بررسی مفاهیمی پردازند که در حقیقت وجوه فردی و اجتماعی در این بحث دور روی یک سکه هستند. فریر^{۳۴} (۱۹۷۲) و ریچاردسون^{۳۵} (۱۹۸۹) نیز به بحث درباره تغییرات فردی و اجتماعی پرداخته و آن‌ها را عمیقاً درهم تنیده دانسته‌اند. استرلینگ (۱۹۹۰) نیز معتقد است، فرد مطلوب برای جامعه بشر دوستانه و برای جهان طبیعت را باید به طور همزمان دید تا بتوان جذابیت‌های آن‌را درک کرد. بنابراین، تمام علائق فردی و محیطی به یکدیگر وابسته‌اند. هریک

از این وابستگی‌های دو طرفه می‌تواند، باعث پالایش دیگری شود و فعالیت‌های بدنی نیز می‌تواند، در کشف مفهوم این وابستگی کمک‌کننده باشند.

همان‌طور که گفته شد، فعالیت‌های بدنی از نظر اجتماعی جایگاه خود را پیدا کرده‌اند. این جایگاه از نظر محیط و جامعه معنی‌دار است. اساس و محتوای یک برنامه دوره تحصیلی پایدار که زندگی فعال رکن آن است، باید شامل مفاهیم مذکور و موارد دیگری باشند که در تغییرات اجتماعی مطرح هستند، به تناسب وضعیت‌های اجتماعی و بدن خلق می‌شوند و باعث رفتارهای حرکتی مناسب در روی زمین می‌شوند.

برنامه تحصیلی که برای پایداری زندگی فعال طراحی می‌شود، باید از کم تحرکی جلوگیری کند و در زندگی مدرن، با توجه به فعال کردن افراد تهیه شود. این برنامه باید شامل راه‌هایی باشد که جایگاه فعالیت بدنی، همراه با توجه خاص به محیط و سازمان آن در نظر گرفته شود.

سالیس، یومان و پرت (۱۹۹۸) گفته‌اند: «به نظر می‌رسد، محیط ما اغلب به گونه‌ای طراحی شده است که همانند سد از فعالیت بدنی انسان جلوگیری می‌کند». دانش‌آموزان باید از عوامل مؤثر بر رفتارهای بدنی و تحکیم آن رفتارها در محیط آگاهی یابند و برای موقعیت‌های فردی و جمعی به گونه‌ای آماده شوند که بتوانند، با بررسی و تأمل به آن موقعیت‌ها، پاسخ مناسب بدهند. در این جا باید تأکید کرد، فعالیت بدنی وظیفه اصلی انسان است، نه مسابقه بین نخبگان ورزشی.

بخش عمده‌ای از فعالیت‌های بدنی، فکری، اجتماعی، احساسی و روانی، تجربه‌هایی هستند که همراه با تفریح کردن حاصل می‌شوند. تجربه‌های تربیت بدنی با شناخت، اکتشاف و نشاط همراه است. در فعالیت‌های تربیت بدنی، جوانان خود را با فعالیت‌های بدنی کشف می‌کنند و از راه‌های متفاوت به درک جدیدی از فعالیت‌ها دست می‌یابند. تعریف درکی که از فیزیولوژی سنتی مطرح شده، با تعریف‌های جدید مغایر است. برای مثال، لاک‌هارت^{۳۵} (۱۹۹۴) «تناسب» را فکری، بدنی و روحی دانسته است. تفسیر فیزیولوژی و درک تعریف لاک‌هارت ممکن است، برای افرادی که به نوعی در ارتباط با مسابقات ورزشی بوده‌اند، زیاد مفهوم نباشد. ولی آن تعریف برای افرادی که در فعالیت‌های بدنی به دلایل دیگری شرکت داشته‌اند، مثل تمرین با هدف آرامش یافتن، بیش تر قابل درک است. نمونه فعالیت‌هایی که با استفاده از محیط و ارتقای آن انجام می‌شود را، ون ماترس^{۳۶} (۱۹۹۰) با نام برنامه «تربیت زمین» مطرح کرده است. برای مثال، پیاده‌روی شامل به کارگیری حواس متفاوت برای تجربه کردن طبیعت، با تمرکز روی احساس محیط و قدردانی از آن است. شرکت در پیاده‌روی می‌تواند، باعث تحریک، آگاهی از محیط و افزایش انگیزه قدم زدن شود که موجب تأمین سلامت خواهد شد. به علاوه با ارائه دامنه‌ای از فعالیت‌های متفاوت به جوانان، آن‌ها می‌توانند موفقیت‌های جدیدی به دست آورند. به بیان دیگر، هر کدام مفاهیم جدیدی از فعالیت بدنی را در می‌یابند که می‌تواند باعث

سالیس، یومان و پرت: به نظر می‌رسد، محیط ما اغلب به گونه‌ای طراحی شده است که همانند سد از فعالیت بدنی انسان جلوگیری می‌کند

رایت، پترسون و کاردینال: برای کمک به جوانان باید راهبردی را طراحی کرد که بر اساس آن فعال شوند

انگیزش‌های مشخص شود. تربیت بدنی می‌تواند، نقش مهمی در تحریک و درگیری افراد در فعالیت‌های بدنی و تعاملات دو طرفه با محیط بازی کند و عاملی تسهیل‌کننده دراکتشاف روحیات فردی باشد. برای مثال، امروزه والدین دانش‌آموزان برای سالم رسیدن فرزندانشان به مدرسه، به استفاده از خودرو مجبور شده‌اند. به نظر می‌رسد، مورد مذکور ضمن ارزش ویژه در بررسی ارتقا و پایداری زندگی فعال، به رفتارهای افراد و تعامل آن‌ها با محیط اشاره دارد.

در سال‌های اخیر، جاده‌ها به طور فزاینده‌ای افزایش یافته‌اند. مشکلاتی همچون آلودگی هوا و ایمنی جاده‌ها نیز به موازات افزایش یافته‌اند. در نتیجه، این احساس در والدین به وجود آمده است که برای سلامتی فرزندانشان، رساندن آن‌ها به مدرسه ضروری است. بنابراین، آن‌ها کم‌تر فعالیت می‌کنند، آلودگی افزایش می‌یابد و ایمنی جاده‌ها بیش‌تر در معرض خطر قرار می‌گیرد و این موارد باعث می‌شوند، والدین بیش‌تری علاقه‌مند به رساندن فرزندانشان به مدرسه شوند.

برای شکستن این چرخه معیوب دخالت ضروری است. درگیری و پیش‌قدم شدن در آگاهی‌دادن، دلیلی بر دامنه وسیع و مؤثر قلمرو فعالیت‌های بدنی روی محیط و نیاز به توسعه توانایی ورود به فرایندهای سیاسی است. این‌گونه نگرش، نه تنها برای مربیان به مفهوم چالشی معنی‌دار است، بلکه بر ضرورت حضور مفاهیم نظری در رساندن اطلاع به جامعه از طریق برنامه‌های درسی تأکید می‌ورزد و همان‌طور که قبلاً گفته شد، نقش مربیان را برجسته‌تر می‌کند. شناخت

ارتباط بین پدیده‌های اجتماعی، نیاز به همکاری را در حفظ محیط‌های سالم و حل مشکلات آن ضروری می‌کند. به همین منظور، تعلیم و تربیت پایدار نیاز به کار چند وجهی و همکاری نمایندگان خارج از شکل فعلی دارد. اگر چه بنای این چنین ارتباطی، کار پیش‌تری را به معلمان تحمیل می‌کند، ولی موقعیت‌های جدیدی را پدیدار می‌سازد.

رایت^۳، پترسون^۲ و کاردینال^۱ (۲۰۰۰) معتقدند، برای کمک به جوانان باید راهبردی را طراحی کرد که بر اساس آن فعال شوند. ترسیم چشم‌اندازی حرفه‌ای در این زمینه می‌تواند، قابل بررسی و کمک‌کننده باشد.

برای ارتقای سلامتی و تغییر در رفتارهای فردی، وجود فعالیت بدنی و ایجاد انگیزه ضروری است. بدون این که خلل و مشکلی در مسائل روزمره فرد به وجود آید، در نتیجه، آن‌ها باید روش‌ها و برنامه‌های خود را به گونه‌ای اصلاح کنند که در تربیت بدنی مدنظر است. برای مثال، اولیا ممکن است فعالیت در محله را ابزاری انگیزشی برای فعالیت بدنی بدانند و با حمایت خود، انتشار آن را تشویق کنند.

کین چین^۲ و سولیوان^۱ (۱۹۹۹) مثال‌هایی آورده‌اند که بر اساس آن‌ها، چگونگی کاربرد بحث‌های کلاسی و پاسخگویی شفاهی دانش‌آموزان برای توسعه توانایی آن‌ها در موارد مذکور عنوان شده است. ارتباط با دیگر زمینه‌های تحصیلی می‌تواند، از طریق کشف و پیوستگی در تولید زمینه‌های تئوری مؤثر باشد. برای مثال، می‌توان به بررسی پایدار اجزای علمی و

جغرافیایی اشاره کرد. همچنین دیگر موقعیت‌های تحصیلی می‌توانند، موقعیت‌های جدید را برای کشف و پیگیری فعالیت‌هایی مثل نوشتن شعر یا درام فراهم آورند. همچنین امکانات معنی‌دار دیگری، برای ارتباط بین تربیت بدنی و دیگر فعالیت‌های فوق برنامه مدرسه (سالم رفتن به مدرسه) وجود دارند که درباره آن‌ها مطالبی نوشته شده‌اند و اثرات بهداشتی و زیست‌محیطی و آثاری که به طور گسترده بر جامعه می‌گذارد، بحث شد.

نتیجه

در حال حاضر، توسعه پایدار بحثی است جهانی و جامع که با توسعه تعلیم و تربیت همراه است و تربیت بدنی نیز یکی از بخش‌های آن است که در جایگاه خود قرار ندارد. آنچه در این مقاله بررسی و طرح شد: نقش فعالیت بدنی در توسعه پایدار و زندگی فعال، موردهایی که در زندگی فعال می‌تواند به توسعه پایدار با توجه به علاقت بشری با توجه به بهداشت محیط بیانجامد، توان بالقوه درس تربیت بدنی برای زندگی فعال پایدار و برنامه‌ای که از نظر تئوری می‌تواند متصور باشد. ورنپول (۱۹۹۹) در خصوص کمک معنی‌دار تربیت بدنی و جامعه می‌گوید: «برای ایجاد جهانی پایدار، مدرسه‌ها باید به تولید تفکر نقاد، مسؤلیت‌پذیری و پرورش افراد برای حل مشکلات دیگران دست بزنند. آن‌ها باید تجربه‌های خود را به گونه‌ای انتقال دهند که به افراد جوان در توسعه و تقویت مفاهیم اخلاقی و معنوی کمک کند تا آن‌ها دیدی نقاد به جهان اطراف خود پیدا کنند و بتوانند در رویارویی با





فشارهای بزرگی که در برابر آن‌ها قرار دارد، راه اعتدال را برگزینند و بر اساس اعتقاد و ایمان خود محکم عمل کنند. آن‌ها باید به گونه‌ای پرورش یابند و به مهارت‌هایی مجهز شوند که استعداد تجزیه و تحلیل کردن و تشخیص مشکلات محیطی و اجتماعی را داشته باشند. بنیادش و روش دموکراسی نو در سیستم جهانی، فقط از ریشه‌ای جدید امکان‌پذیر است و این ممکن نیست، مگر با به چالش کشیدن تعلیم و تربیتی که به خلق دموکراسی‌های قوی و محلی و فرایند آن توجه کند. پژوهش‌های اخیر منسوجه جهت‌گیری جدید تربیت بدنی به سوی زندگی فعال پایدارند.

پنی^{۲۲} (۱۹۹۹) چندلر^{۲۳} (۲۰۰۰)

معتقدند، تربیت بدنی باید با درک وضعیت جدید و بر اساس نیازهای برنامه‌ریزی شود که بر فعالیت استوار هستند و با بهره‌گیری از برنامه‌نقادانه به حل مشکلات پردازد. بحران‌های محیطی به وضوح معماهای جدیدی را فراروی جوامع قرار داده‌اند و توسعه پایدار اهمیت بررسی و تأمل در هدف‌های تربیت بدنی را یادآور می‌شود.

لاوسون (۱۹۹۵) یادآوری کرده است، متخصصان تربیت بدنی، علوم ورزشی، بهداشت، تفریحات سالم و دیگر افرادی که به نوعی دارای مسئولیت مشترک برای پاسخ به چالش‌های جهانی و خلق فرهنگ هستند، باید در این امر همکاری، تمرین و کمک کنند تا واکنش مناسب شکل گیرد. او می‌گوید: «زمان آن رسیده است که گفت‌وگوی بین‌المللی در زمینه چالش‌های فراروی جامعه جهانی آغاز شود تا به طراحی و تمرین مدلی جدید برای تمرین در زمینه‌هایی پردازند که نیازمند همسویی ارزش‌ها و واکنش‌های فرهنگی است.»

اگر قرار است تعلیم و تربیت در حل مشکلات و بحران‌های محیطی دارای نقشی باشد، معلمان باید برای رویارویی با آن، چه از لحاظ تئوریک و چه از لحاظ رفتارهای مورد انتظار

آماده شوند (فرناندز بالبوآ ۱۹۹۷). به این ترتیب، چالش‌های جدید و معنی‌داری در انتظار متخصصان تربیت بدنی در آموزش عالی است. فرناندز بالبوآ بر نقش رهبری سیاسی و اهمیت آن تأکید می‌کند (۱۹۹۷) و می‌گوید: «تمرین برای رهبری سیاسی شدن معلمان تربیت بدنی در آینده اجباری است، برای رسیدن به این هدف باید افراد بتوانند، چشم‌انداز درستی از هدف‌ها، اظهار نظر‌ها، تولید ارزش‌های جدید، مدیریت مردم و ایجاد انگیزش، کار با دیگران و برای دیگران، پایه‌گذاری اتحاد، تولید یافته‌های جدید و حفاظت از آن‌ها، تأثیر و ترغیب دیگران، بحث و گفت‌وگو داشته باشند.»

ساکه^{۲۱} (۱۹۹۲) از متخصصان سؤال می‌کند، «آیا ما می‌توانیم و جرأت آنرا داریم که همراه تغییرات اجتماعی باشیم؟»

اقدام نامناسب افراد از مواردی است که در توسعه پایدار می‌تواند، اثر گذار باشد و چالشی فراروی آنان محسوب می‌شود. به علاوه باید گفت، اگر آینده‌ای برای تربیت بدنی متصور باشد، هیچ راه فراری برای اجتناب از تغییرات بنیادی محیطی و سیاسی وجود ندارد و باید خود را برای آن آماده کرد.

برانت‌لند: تبعیض عامل اصلی تغییرات محیطی است؛ زیرا فقر باعث ایجاد فشار، در استفاده بیش از حد از محیط زیست می‌شود

زیر نویس.....

1. Docheff	11. Drengson	21. Lenskyj	27. Kirk & Gorely	37. Wright
2. Shields	12. fien	22. Mahina	28. Fox	38. Patterson
3. Bredemeier	13. Honori & Boleyn	23. Vanreusel etal	29. Drewe	39. Cardinal
4. Burton	14. Girurdet	24. Allied Dunbar	30. Humberstone	40. Kinchin
5. Dryz	15. curits& russel	National Fitness	31. Revegno	41. Sullivan
6. King	16. Wortly	Survey	32. Bowers	42. Penny
7. Mukle	17. Lawson	25. Us Department of	33. Freire	43. Chandler
8. John. Becker	18. Mckay	health and human	34. Richardson	44. Sage
9. Bruntlond	19. Gore	services	35. Lockhart	
10. Hukle	20. Kirk	26. Fernandez-Balboa	36. Van Matres	

